



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۸/۰۶

سیدخلیل الله هاشمیان

آیا روحانی و دولتش به چه نوع انتخاباتی مصروفند

که در نتیجه آن تهدیدات خود را در افغانستان عملی کنند ???

نویسنده: محمد عارف رسولی به زبان پشتو

ترجمه آزاد به دری: سید خلیل الله هاشمیان

چند روز قبل زعیم ایران حسن روحانی در یک کنفرانس جهانی در تهران به ارتباط جریان و توزیع سکتور آب های بین المرزی، بالای افغانستان تهدید شدید نمود. موصوف به طور صریح و پوست کنده گفت که بندهای آب کجکی، کمال خان و سلما در افغانستان برای ما قابل قبول نمی باشند - ایران بدون در نظر داشت علایق تاریخی و همسایگی با افغانستان و هم به خاطر تفوق پسندی منطقی (هیژمونی) خود، و هم در سطح بین المللی به منظور تأمین اهداف خود، همیشه خواسته تا در امور داخلی افغانستان مداخله و دست درازی کند.

هنگامیکه همکاری های اقتصادی و منافع مشترک کشورهای یک منطقه با هم گره خورده باشند، چنانکه در اروپا و دیگر کشورهای جهان رائج است، به منظور ایجاد اقتصاد و صنایع مختلط، چنان فابریکات بزرگ تأسیس می کنند که شاخه ها و شعبات آن در تمام کشورها موجود می باشد و تبادلات تجارتي در بین خود شان صورت می گیرد، سیستم مشترک انرژی و مواصلات می داشته باشند، مارکیت های مشترک و قوانین و مقررات قوی و قابل تطبیق می داشته باشند و تمام کشورهای منطقه از برکت این چنین تساند و همکاری متقابل از ثبات و استقرار و امنیت برخوردار می گردند؛ بنا برآن مداخله و دست اندازی به امور داخلی یکدیگر یا از بین می رود و یا بیخی ضعیف و کمزور می باشد - در غیر آن، بی ثباتی در یک کشور بالای سایر کشورهای منطقه اثرات منفی و فلج کننده می داشته باشد.

اما در حال عدم وجود شرایط فوق الذکر، کشورهای قدرت مند منطقه بالای همسایگان کمزور خود از مداخله و دست اندازی کار گرفته تا تابع ساختن آنها، عقب مانده ساختن آنها، و هم از سیاست مداخله و دست اندازی در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها دریغ نمی کنند. این کشورهای قدرتمند منطقه سعی می کنند که رول منطقی و جهانی آنها

بیشتر گردد تا بتوانند کشورهای ضعیف منطقه را تابع خود سازند و هم بتوانند در میدان نبرنگ بازی های جهانی کشورهای ضعیف را با ابرقدرت ها معامله و به فروش برسانند، و ازین طریق منافع ستراتیژیک خود را تأمین نمایند.

به اساس همین فورمول است که کشورهای ایران و پاکستان هر دو ی شان عین پالیسی را بالای افغانستان تطبیق می کنند، زیرا جنگ های تحمیلی و درازمدت از جانب بیگانگان همراه با دیگر شایستگی های داخلی در افغانستان، سبب شده که این دو همسایه افغانستان نمی خواهند جنگ در افغانستان به زودی خاتمه یابد و افغان ها به پای خود ایستاد شوند. همسایه ها می دانند که نهادهای قوی ملی در افغانستان هرگز به کسی اجازه نمی دهند که منافع ملی کشور ما را با آنها معامله کنند، بنا برآن نمی خواهند و نمی گذارند که در وطن ما ثبات استقرار یابد، تا بتوانیم نهادهای ملی خود را متحد و مستحکم سازیم - آنها می دانند که اگر در افغانستان ثبات رونما گردد و نهاد های ملی متحد شوند، آنگاه برای تأمین منافع ملی افغانستان دانشمندان کارفهم سربلند می کنند و هم درین راه تربیت می شوند که در نتیجه افغانستان توان مالی پیدا می کند و از منابع طبیعی خود، به شمول آب، به درستی و علمی مراقبت و مدیریت خواهد کرد، و برای انکشاف آنها به اساس قوانین بین المللی اهتمام نموده، افغان ها از ثروت سرشار منابع طبیعی خود برای ترقی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور کار می گیرند.

ازین خاطر است که این دو همسایه همیشه شخصیت های ضعیف و خائن را در تحت ذره بین سازمان های جاسوسی خود تربیت می کنند و پول وافر می دهند تا امنیت و نظام ما را ضعیف ساخته به شکست مواجه سازند - هر دو مملکت سعی می دارند تا در کشور ما اختلافات قومی و لسانی را دامن زنند و آتش نفاق را برافروزند و وحدت ملی را متفرق سازند، تا بتوانند در پس پرده اهداف ناپاک خود را تطبیق و تأمین کنند.

اکنون روحانی می گوید من از تهدید کاری می گیرم !

اما چرا این حسن روحانی که مانند همیشه در ظاهر دوستی و در باطن دشمنداری را با افغانستان در پیش انداخته، اکنون به این چنین تهدید واضح و برآلا پرداخته است؟ بعضی کار آگاهان فکر می کنند که اکنون در رژیم ایران مشکلات داخلی رو نما گردیده و رو به تزئید می باشد؛ بنا برآن حسن روحانی و کمپ طرفداران او با پیشوای مذهبی ایران و طرفداران او دست و گریبان شده، لهذا روحانی می خواهد که اذهان عامه مردم خود را از مناقشات داخلی به تهدیدات موهوم ساخت خودش بالای افغانستان متوجه سازد - در گذشته ها اراکین دولت ایران مردم خود را با شعار (شیطان بزرگ) مصروف می ساختند و بازی می دادند، اما اکنون روحانی می خواهد خود را در اختفا با غرب نزدیک بسازد و لهذا از شعار قبلی کار نمی گیرد.

چرا روحانی افغانستان را انتخاب کرد؟ ایرانی ها از دهه اخیر میلادی (۲۰۱۰) به این طرف بازیگران قوی سیاسی را به حیث ایجننت های خاص در اختیار خود داشتند و از نفوذ وسیع فرهنگی نیز برخوردار بودند - از همین جهت بود که با وجود موجودیت قوی جامعه جهانی در کابل، از هر نوع اقدامات مخفی و عریان ایران در افغانستان به طور بیشترمانه چشم پوشی می شد. ایرانی ها در امتداد چند دهه اخیر که وقت کافی داشتند تا با استفاده از اجیران قوی، نفوذ وسیع فرهنگی، شعار های اغوا کننده، پول و رشوت خیلی زیاد و دیپلماسی ماهر، و از طریق به کار گماشتن یک گروه خاص، تا توانستند در کاسه شهد افغان ها زهر انداختند. ایرانی ها مزدوران خود را با مهارت خاص در کشورما تقویه کردند، در شاهراه فرهنگ، هویت ملی و وحدت ملی ما سنگ انداختند - از ساختمان بند

های آب و سکتور آب برای زراعت و سرسبزی در افغانستان جلوگیری کردند، همه اهداف ستراتیژیک خود را در کشور ما به دست آوردند، بنا بران در تحت چنان شرایط ضرورت چنان تهدید واضح و برآلا به یک کشور همسایه وجود نداشت - اما اکنون چنین معلوم می شود که در نزد ایرانی ها این ترس ایجاد شده که شاید دست آورد ستراتیژیک گذشته خود را در افغانستان از دست بدهند.

نظام خداوند عز و جل و خالق کاینات این طور است که قدرت های حریص و متعرض از هر قدر تدبیر خوب کار بگیرند، در انجام پا در گل می مانند و ناکام می شوند: "ملخک ملخک جستی، آخر به دستی!" - اگر ایرانی ها در افغانستان به گروه های خیرخواه و سالم دست اسلامی دراز می کردند و به آنها کمک می کردند تا در استقرار ثبات در افغانستان کار کنند، در قلب افغان ها منافع مشروع ستراتیژیکی و موقف ایران به حیث یک کشور مسلمان و همسایه رور تا روز مستحکمتر می شد - اما چنانکه گفته اند: "بار کج به منزل نمی رسد"، شعارهای کاذب ایران نیز مانند شعار های کاذب پاکستان اغوا کننده از آب برآمد - اکنون به غیر از چند اجیر فروخته شده، در نزد تمام اقشار، اقوام و مناطق داخل افغانستان این موضوع، یعنی شیطنت ایران، روشنتر از آفتاب برملا شده، و حتی دولت و دولت مردان افغانستان نیز به آن پی برده اند - اکنون در نزد ایرانی ها واضحاً این تشویش ایجاد شده که احتمال دارد موقف خوب چند دهه گذشته خود را در افغانستان از دست بدهند، بنا بران اکنون سعی دارند مداخلات و دست اندازی های بیشرمانه خود را بیشتر توسعه دهند و تقویت نمایند و از طریق ایجاد تهمت و بهانه به کارهای بیشرمانه خود مشروعیت بخشند.

تصور می رود ایرانی ها فهمیده اند امکان زیاد وجود دارد که افغانستان به زودی به پای خود ایستاده شود و از منافع نامشروع ایران در خاک خود جلوگیری نماید - چنان علایمی به نظر می رسند که اکنون یک عده عناصر ذیل الذکر ثبات در افغانستان با هم دست همکاری و اتحاد داده اند:

۱) تکنوکرات های قابل اعتماد جهانی از کارشناسان آزموده و شناخته شده پیشرفت و ترقی که به سویه ملی در قلب افغان ها جا دارند، یعنی در تحت قیادت رئیس جمهور اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله، که در مشارکت با همدیگر برای دوام و کامیابی حکومت وحدت ملی کار می کنند (اگرچه با مشکلات زیاد رو به رو می باشند)، اما پلان های طویل المدت و ستراتیژیک آنها از حمایت روز افزون ملت افغان برخوردار است، چنانچه یک وکیل در پارلمان ایران چند روز قبل (برخلاف ادعای یک عده افغان ها) گفت که اشرف غنی را خوب می شناسد که شخص دارای استعداد می باشد و اگر ماندگار شود افغانستان را به جایی خواهد رساند:

۲) در سطح ملی و بین المللی از برگشت حکمتیار صاحب، رهبر پُرنفوذ حزب اسلامی به کابل و انعقاد پیمان صلح او با حکومت افغانستان تقدیر و پشتیبانی شده است.

۳) یک بار دیگر بعد از چند سال و مشکلات زیاد، در بین زعامت دولتی افغانستان و قدرت های بزرگ بین المللی و سازمان های ترقیخواه جهانی اتحاد نظر و اعتماد متقابل ایجاد شده است.

۴) نسل جدید و جهش طلب افغانستان و کادرهای تحصیل یافته و مورد نیاز روز تا روز رو به تزئید می باشند.

۵) با وجود خستگی طبقات عامه افغانستان از جنگ تحمیلی ۴۰ ساله، توکل مردم مسلمان افغانستان به خداوند (ج)، تحمل و صبر عظیم آنها به مقابل مشکلات و ناملایمات، مقاومت عظیم و حیران کننده این ملت شریف برای دفاع از نوامیس ملی، و تسلیم نشدن به دشمن که عنعنۀ ملی و تاریخی آنها می باشد.

۶) زمان و روزگار اجبران ایران در افغانستان به پیشروی و رسوایی انجامیده و سبب دوری افغان ها از ایرانی ها شده، البته عوامل زیاد دیگری هم وجود دارند که ممکن است ایرانی ها را در خوف و تشویش اندازد که افغانستان در شاهراه تغییر و تحول قرار گرفته و آنها نمی توانند این اراده افغانها را تغییر بدهند.

انتخابات ایران به ضد افغانستان!

سؤال دیگر اینست که روحانی و دولت ایران بالای چنان انتخاباتی کار می کنند که اگر خدا ناخواسته تهدید خود را عملی کنند، افغانستان را از حقوق مشروع اش محروم ساخته و یا نظام کنونی را که خار چشم شان می باشد از پا درآورند. ممالک حریص و متعرض هنگامی که خواسته باشند در وطن شما از یک پیشرفت ستراتیژیک جلوگیری نمایند، از انواع امکانات و دسیسه های تخریبی مخفی و غیر مستقیم کار می گیرند، مثلاً در داخل و خارج با دشمنان قسم خورده کشور تماس می گیرند و آنها را با خود همدست می سازند تا ازین طریق نظام کشور شما را که خار چشم آنهاست سقوط دهند و یا به مشکلات زیاد مواجه سازند تا آنها را از پیشرفت و اهداف متوقف گردانند. انگلیس ها در عصر سلطنت اعلیحضرت امان الله خان و روس ها در دوره جمهوریت شهید محمد داود خان همین کار را کردند. این دو ابر قدرت وقتی منافع خود را در منطقه به خطر دیدند از طریق استخدام و همکاری دست نشانده های داخلی خود، هر دو نظام سلطنت و جمهوریت را در افغانستان به سقوط مواجه ساختند.

اکنون نیز این امکان وجود دارد که ایران سعی و کوشش زیاد به خرج دهد تا نظام فعلی و برحال افغانستان را یا توسط پاکستان و یا توسط کدام کشور دیگر و یا از طریق کمک و همکاری های دست نشانده های خود به داخل افغانستان بکلی سقوط دهد و یا حد اقل آن توان و قدرت را از افغانستان سلب و خنثی سازد که پروژه های ملی و عام المنفعه را به کار انداخته نتواند. ایرانی ها سعی خواهند کرد و علایم و شواهدی هم به نظرمی رسند که آنها مصروف استند تادست نشانده ها و اجبران داخلی خود را توسط پول، نفوذ فرهنگی و مداخلات سیاسی و نظامی بسیج نمایند و به کار اندازند، و توسط آنها تخریبیات را شروع کنند تا خداناخواسته ازین طریق های خیانت کارانه و دشمنانه به یکی از اهداف خود موفق گردند. وضع آن زور آوران تهدیدگر در افغانستان که ایران از قدیم بالای آنها سرمایه گذاری کرده و بالای آنها نفوذ زیاد دارد، نشان می دهد که ایرانی ها نسبت به سابق بسیار بیشتر فعال شده و به دسیسه های جدید متوسل گردیده اند. اگرچه طالبان تعهد کرده اند که پروژه های زیربنایی را در افغانستان تخریب نمی کنند، اما امکان دارد که ایران از گروه های مسلح دیگر، از قبیل قاچاقبران مواد مخدر و قاچاقبران آدم ربایی که زن ها، اطفال و ثروتمندان را می ربایند، و هم از دست نشانده های دیگر خود که در سوریه تربیت نظامی شده اند، از تمام این ها کار گرفته و آنها را به داخل خاک پاک افغانستان بگمارند تا مشکلات امنیتی ایجاد کنند.

ایرانی ها می دانند که هرگاه در افغانستان یکی دو پروژه مهم از قبیل تاپی، کاسا و خط آهن تکمیل و به کار افتند، فعال شدن این پروژه ها در استقرار ثبات در افغانستان نقش عمده بازی می کند، لهذا ایرانی ها سعی خواهند کرد که

هیچکدام این پروژه های مهم در هیچیک از سکتورهای اقتصادی تکمیل نشود و با ایجاد ناامنی و گدودی شاهراه انکشاف اقتصادی در افغانستان مسدود گردد.

در مقابل شیطنت های ایران، لطف خداوند قرار گرفته!

در بالا یاد آور شدیم که الحمدلله اکنون اکثریت عظیم مردم افغانستان نیت پلید ایران را می دانند و از آن نفرت دارند. دست نشانده های زیاد ایران رسوا و افشاء شده و انشاءالله چندان چیزی از دست ایشان پوره نخواهد شد. موجودیت قوای خارجی در کشور اگرچه خالی از ضرر نبوده و مضرات دیگری هم دارد، اما در حال حضور قوای خارجی، ایران نخواهد توانست نظام کنونی داخلی ما را سقوط دهد و یا به مقابل پیشرفت پروژه های مهم اقتصادی ما سد و مانعی ایجاد کند.

افغانستان چه باید بکند؟

ماافغان ها باید تهدید های رئیس جمهور ایران را جدی تلقی کنیم و برای خنثی ساختن آن باید کمک ها و پروژه های بزرگ را از کشورهای دوست به کشور خود جلب کنیم تا به مقابل این تهدید ها آمادگی کامل داشته باشیم. البته باید بدانیم که این کمک ها را چطور به کار اندازیم، یعنی از وقت و فرصت باید حد اعلی استفاده شود. ما می بینیم که بعد از جنگ های طویل المدت عده زیاد مردم ما ناخوان و بیسواد مانده، مهاجرین افغان در کشورهای دیگر هنوز وجود دارند، مردم ما ناتوان شده و هم در تعصبات قومی آغشته شده، و رویهم رفته از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به پس ماندگی مواجه شده ایم. از جانب دیگر متأسفانه ارزش های ملی ما ضعیف و کمزور شده و به دشمنان افغانستان فرصت مساعد گردیده تا از طریق شعار های اغوا کننده یک تعداد مردم ما را تحت تأثیر تبلیغات زهرآلود خود قرار دهند و ازین طریق اهداف و دسیسه های دشمنانه خود را تطبیق نمایند. بنا بر آن در مقابل این چنین تهدیدات صریح و برآلای ایران، آنهم بالای آبهای کشور خود ما، در حالیکه همه این آب ها و دریا ها از منابع سرزمین خود ما سرچشمه گرفته و جریان دارند، برای ما و در نزد ما افغان ها حد اقل باید این درس عبرت فراهم شود که چهره و اهداف اصلی همسایگان مُعرض و فتنه انگیز را به مردم خود افشاء و رسوا سازیم، تا مردم افغانستان ازین چال ها و دسیسه ها باخبر شده، سطح دانش عامه را بالا ببریم تا پلان های شوم و دست اندازی و مداخله خارجی را خنثی و وخدمت ملی خود را بیشتر قایم و مستحکم سازیم.

بیانات روحانی و ترساندن های او و خارجیان دیگری مانند او، برای ما افغان ها این فرصت و این درس عبرت را مهیا می سازد که در خاک خود در بین زعمای خائن و وفادار به منافع ملی تشخیص و شناخت بهتری حاصل نمائیم، یعنی دوست و دشمن خود را بشناسیم؛ آنهایی که از رژیم ایران پول و رشوت به دست آورده اند، آنها نمی توانند به مقابل بادار خود با چهره و موقف ملی و افغانی ایستاده شوند، بلکه با چشم و دهان پُت ایستاده می شوند، آغا بلی می گویند و یک موقف سُجه ملی و افغانی گرفته نمی توانند و از منافع ملی خود حمایت و دفاع نمی توانند. این نوع شناخت و تشخیص از اجیران خارجی به افغان ها کمک خواهد کرد تا نوکران ایران را به ملت افغان رسوا و افشاء نمایند و آنها را از قطار ملت بیرون سازند تا دیگر نتوانند لاف و پتاق دروغین وطندوستی را سر دهند و یا بیرق ملی را به سینه زنند، در حالی که هنوز هم مزدور بیگانه می باشند.

آن آب ها و دریا‌هایی که از یک کشور به کشور دیگر سرازیر می شوند، جنبه های حقوقی این جریان بسیار مغلق و پیچیده است، و بعضی اوقات این موضوع به حکمیت های بیطرف و جهانی سپرده می شود - بنا بر آن از حقوق خود دفاع کردن مستلزم دانش، تخصص، وحدت ملی، حکومت داری خوب، و استقرار ثبات می باشد. حق آبه یا حقوق آب ها و دریا ها در یک کشور از طریق مباحث خشک و مدعیات بی بنیاد ممالک دیگر به جایی رسیده نمی تواند، بلکه باید توسط اشخاص وارد و مسلکی یا از طریق دیپلماسی و قوانین بین المللی مربوط به آبهای مرزی، علم انجیری آب و هیدروجن، محافظت محیطی، ارزش های اقتصادی و مسائل مماثل دیگر سنجش و ارزیابی شود و هم درین رشته ها اشخاص فنی و مسلکی تحت تربیه گرفته شوند - به داخل مملکت خود ما در نهاد های مورد احتیاج و نیاز ملی، باید سرمایه گذاری های وسیع صورت بگیرد تا توانمند شوند و بیشتر مورد اعتماد ملت قرار بگیرند و هم قوی و توانا شوند تا از منافع علیای کشور حمایت و دفاع بتوانند و در مقابل تهدیدات بیگانگان به طور علمی و مسلکی جواب گفته گویند.

اگر افغان ها واقعاً خواسته باشند در چنین مسائل منطوقی از حقوق مشروع خود حمایت و دفاع نمایند، پس هر افغان مجبور است و باید به موضوع وحدت ملی به مثابه تخم چشم خود اهمیت قایل باشد، زیرا در صورت فقدان وحدت ملی، افغان ها نمی توانند در مقابل همسایه های حریص و دسیسه کار، به حیث یک صف مستحکم ایستاده و موفق شوند.

به آرزوی یک افغانستان آسوده و آرام، خود کفا و سر بلند، که بتواند از حقوق مشروع خود حفاظت و دفاع کند.

محمد عارف رسولی - سید خلیل الله هاشمیان

یادداشت مترجم :

مقاله جناب رسولی صاحب در باره تهدیدات اخیر ایران آنقدر جامع، مستند و مدلل است که من خواستم دری زبان های افغانستان نیز آنرا بخوانند و امید است افغان های وطن دوست به نکته مرکزی این مقاله که در مقابل یک همسایه حریص و دسیسه ساز باید به ضرورت وحدت ملی ملتفت شویم، توجه فرمایند. با عرض احترام - هاشمیان